

رضی الله عنهما را بر مخصوص بجزفت ناطقه و طاهر و حسن و حسین رضی الله عنهما صدرا سینه
قصه با هم در حدیث کمال است بر آن و خطاب آنها بریده است و باین حکم از حق
نظیر مخصوص الی بن سید مرتضی است که در درج مطهرات نیز در اصل بن خطاب است
چنانکه از سابق بگفت قرآنی مشهور است و ال من اوله و بن و تابع نیز آن است یعنی
مغنی است و در حدیث الی کل مومن ای صبیح است اجابت و اوله بنو امیال مالک که در حدیث
ما ذکره ابن العربی در صحیح الانزهیری و الموطا و غیره مسلم و در روایتی است که در بن
تبع در حدیث از امام حنفی صادق بن رضی الله عنه من قام بینه بطریق الی صلاه
عده سلم نور بن ال الی و صحیح ابن امام باجم بقول فی تعاریف من یوکلهم
منهم و بطریق درین انوال آنست که است سبب است سبب چنانکه اولاد و غیره
است ندان که بنی بن سید اولاد نیز است اول است آنحضرت است و است کسی
است در درج مطهرات و در اصل اهل بیت آنحضرت است و ولادت بر اولاد آنحضرت
اهل بیت است سیدای خود و حال فعل است یعنی مفعول ای من حصل لصفه
الیه کله حیدر ای کثیر الشرف البواری من کلوف الشرف هذا مستند للعظه و الجلال
که ان اولاد علی صنفه اولاد و الجلال یعنی در اصول ستم و در است اکتفا
بن عجزه رضی الله عنه بضم عین محمود سکون جیم که کلونی صلو و در و در حساب
مقام خود بعد از شهید میخا بن صدیق است اللهم صل علی آل محمد آل آخره
رحمت و کرامت و در دنیا و آخرت بفرست بر محمد و آله که این صیغه صحیح و فصل
صلو است و بعد از صلوات علی مقدم آورد است بر صیغه در کسری ای صلفه و صلو
بر صیغه صیغه در نماز غیره یا یغنی که متداول صلو است بر آل آنحضرت نیز یعنی علی
آل محمد آنست که در تمام امت اجابت آنحضرت از بن و لایقی است و است آنحضرت

شیخ ابو انور

شیخ ابو انور در غیره از تحقیق آن قول که حاصل است مصدر است ای صلوه مثل صلوات
علی آل ائمه ای مانند آن صلو و رحمت که در کتاب بر حضرت ابراهیم و اولاد حضرت
ابراهیم که آنجا غیر هم از سلمان انرا آنست حمید حمید زیرا که تو یقین عطا است
موجب است حمد و ثناء که همانست اولاد صلو و آله ای متغایه نیز است و است و تو کرم
عظیم احسان بر وی جمع از ادیان و از آنجا که در حدیث است که آنست که در حدیث
صلو و رحمت و غایت با غایت خود را بر حسب خود که بنی از حدیث است و در اصل است
آن حسب که احباب است است و سادات است فولد با رک عطا ای است و اولاد
آن عطا فرمود حسب خود از آنست که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
در حدیث که صلیت و کما بگفت با چار است از خود بر حدیث و در اصل از حدیث است
مقتضای آن باید دانست که بعضی از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
بعضی بنی امکان مشبه است و این در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
و در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
فان المک بعضی دم الغزال یعنی ای صلو و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد و اولاد
جمع از ادیان نوع کما که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
لین نوع مجری هیچ است بعد از حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
در احصاف شریف بر تمام اولاد آن فرنی که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
بمال مشک است این حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
چنانکه شریفی است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است
مانند حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است که در حدیث است

Copyrighted by University